

تعالیم شمس تبریزی

مهدی کمپانی زارع

کتابنامه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم رسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

لیتو، افی: نمدید

چاپ و جلد: حافی: فرنو

بویته چاپ: یکم، ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۵۰-۹۹-۱۶

نشانی: تهران - مینی سیتی - مهرک - بلاتلی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه: کمپانی زارع، مهدی، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور: تعالیم شمس تبریزی، مهدی کمپانی زارع.

مشخصات نشر: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.

فروست: بینش معنوی.

شابک: 978-964-9940-50-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: شمس تبریزی، محمد بن علی، ۹۵۸۲-۶۴۵ق.

موضوع: شمس تبریزی، محمد بن علی، ۹۵۸۲-۶۴۵ق. - تأثیر - مولوی، جلال‌الدین

محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق.

موضوع: عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴.

موضوع: century Mysticism - Early works to 20th

موضوع: عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴.

موضوع: century Mysticism - Early works to 20th

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ک ۸ ش ۲ / ۲۷۹ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۸۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۷۰۰۲۶

فهرست

۱۱	□ مقدمه
۱۵	فصل اول: زندگینامه شمس تبریزی
۱۷	الف. شمس تبریزی پیش از دیدار با مولانا
۲۱	ب. دیدار با مولانا
۳۲	ج. غیبت و عاقبت شمس
۳۹	فصل دوم: سخن گفتن
۴۲	الف. زبان
۴۶	ب. مخاطبان
۵۰	ج. سخنگویان بی خبر
۵۵	فصل سوم: شناخت
۵۸	الف. بی‌کرانگی هستی و معرفت بدان
۵۹	ب. بایسته و شایسته شناخت
۶۲	ج. معرفت راه درون
۶۵	د. تفاوت راه دل و راه عقل
۶۸	و. مراتب معرفت

۷۵	فصل چهارم: انسان
۷۷	الف. کرامت انسانی
۸۲	ب. هدفمند بودن هستی انسان
۸۸	ج. زندگی آرمانی انسان و موانع آن

۱۱۳	فصل پنجم: ایمان و دینداری
۱۱۵	الف. مفاهیم ایمان در قرآن کریم
۱۱۸	ب. مؤلفه‌های ایمان از نظر شمس تبریزی
۱۲۳	ج. محوریت نیاز در دینداری و رابطه آن با گوهر ایمان
۱۲۹	د. ضرورت سبب و ریاضت در دین
۱۳۲	و. حکمت عبادات و ریاضات دین
۱۳۸	ی. متابعت رسول خدا ﷺ

۱۴۷	فصل ششم: عقل و علم
۱۴۹	الف. ناتوانی عقل
۱۵۴	ب. اقسام عقل‌ها و خصایصشان
۱۵۷	ج. علم سودمند

۱۶۱	فصل هفتم: خدا و خدایی شدن
۱۶۳	الف. خداشناسی معطوف به خدایی شدن انسان
۱۶۹	ب. خدا همان معناست
۱۷۲	ج. مسأله تشبیه و تنزیه
۱۷۶	د. معرفت نفس و شناخت خدا

۱۹۱	فصل هشتم: سلوک الی الله
۱۹۳	الف. موقعیت انسان و حجاب‌های طریق حق
۲۰۰	ب. توبه نصوح
۲۰۴	ج. صبر شیرین

۲۰۹	د. یاد یار (ذکر حق)
۲۱۳	و. انتقاد به صوفیه
۲۲۷	فصل نهم: عشق، محبت و دوستی
۲۲۹	الف. کیمیای نظر محبت
۲۳۵	ب. عشق و ترک خودپرستی
۲۳۸	ج. اوصاف و احوال عاشق
۲۴۰	د. دوستی و ادب آن
۲۴۵	فصل دهم: مردان خدا
۲۴۷	الف. اوصاف مردان خدا
۲۶۱	ب. راه و محضر انبیا و اولیا
۲۶۶	ج. ادب مواجهه با مردان خدا
۲۷۳	د. مقام خاص محمد ﷺ در میان مردان خدا
۲۸۱	فصل یازدهم: سماع راست
۲۸۳	الف. حکم فقهی سماع
۲۸۷	ب. فواید سماع
۲۹۰	ج. آداب سماع
۲۹۳	فصل دوازدهم: مواجهه با قرآن کریم
۲۹۵	الف. سفره گشوده قرآن کریم
۲۹۷	ب. فهم خطاب خدا
۳۰۳	فصل سیزدهم: مرگ شیرین
۳۰۵	الف. آینه مرگ
۳۰۷	ب. مرگ، رهایی است
۳۱۳	منابع

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

سخن گفتن فصل آشکار کردن مردی که می‌کوشید خود را بپوشاند و در عین مهربانی و شیرینی، تلخی تنهایی و تنگدستی کند، کاری است دشوار و البته خنده‌دار. شمس از همان کودکی راهی اختصاصی خود را در این دنیا پیدا کرده بود. خدا و عالم معنا برای خود گشوده بود و در این راه، تنهایی و انزوا و سخت‌رویی سهم عمده‌ای داشت. وقتی زندگانی او را از لابلای سخنان خودش جست‌وجو می‌کنی، روحی بی‌قرار در بدنه‌اش زلزل می‌شود. در طلب ناکجاآباد می‌بینی و آنچه بیش از همه چیز به چشم می‌آید، میل به پنهان شدن و فرو رفتن در خویش است. شمس همه چیز را از خودش می‌خواست و چیزی جز از خود، او را راضی نمی‌کرد و چنان پیام «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ...» همه وجودش را پر کرده بود، که در دانش دگر روشنائی و گرما نمی‌دید. او ابراهیم‌وار بر همه بت‌های مردم می‌تاخت و در بیان و عمل همه چیز درست می‌پنداشت، چنان صداقتی داشت که کمتر کسی تحمل گفتار و کردارش را داشت. و گاه چنان بی‌پروا نقاب از اندیشه خود برمی‌داشت که ناآشنا به طریق وی، او را مجنون و مسخ می‌نامیدند. خودشیفته می‌دانست. او علی‌رغم نحیف بودن جسم و بی‌توجهی به تن، عزم در دادن داشت و یکسواره بر خیل خیال‌اندیشان می‌تاخت و با یقینی ویرانگر به مصاف گم‌گشته عالم و عامی می‌رفت. این مرد به کلی متفاوت، نه تنها در آفاق، خودخواسته تنها طی طریق می‌کرد، بلکه در کوره درون، اندیشه‌های خاص خود را می‌پخت و چون به سخن می‌آمد، چیزی می‌گفت که کمتر شباهتی به دیگران داشت. از این رو کسانی که با وی مواجه می‌شدند، یا به کلی از مفاهیم با او نومید می‌گشتند و او را ترک می‌کردند و یا در او جزیره بکری می‌دیدند که هنوز هیچ بشری بدان نرسیده است. گرفتاران در عادت و عرف، تاب همراهی وی را نداشتند و

کم بودند کسانی که طالب جهان شگفت و بکرا و باشند و بتوانند بدون وحشت در جزیره او سیر کنند و از نازک دلی و عافیت جویی، جگرپاره نکنند و روه خویش نگیرند. همراهی با او جنونی الهی می خواست و تخته بندان عادت و سلامت راهی به او نمی یافتند. در این میان قرعه فال به نام مهاجری خراسانی در دیار روم افتاد که در این دژ هوش ربا، طریقی را پیش گیرد که میهمان مسجد مهمان گش در دفتر سوم مثنوی در پیش گرفت و بی توجه به هرزبانی، لا اله الا و، حلاج وار، با طناب دار خود، بندبازی کند. شمس نیز هیچ ملاحظه ای در حق این بنوا بریده از نام و ننگ نکرد و هرچه از آیین دیوانگی می دانست به او آموخت و اثرش این شد که مولانای مدرّس و مفتی و مورد احترام عام و خاص، پس از دوره ای سکوت و انزوا، بساط و صوفی را کنار نهاد و چنگ و چغانه برداشت و چنان در رقص و کف زدن آمد که بازیچه کودکان سری و برزن شد و شد آنچه شد. شمس با آنکه اهل سخن گفتن نبود و سخن گفتن را عالی شدن از معنی می دانست، در آن مدت کوتاه حضور در قونیه، گاه در حضور مولانا و یارانش، سخنان می گفت؛ البته سخنان او هیچ نظم و ترتیبی را رعایت نمی نمود و بیشتر شبیه رعد و برر با زبان های بهاری بود؛ ناگهانی، کوتاه، روشن و زنده کننده. همه چیز این مرد این گونه بود. او با دیوانگی و وابستگی میانه ای نداشت، از این رو تا روشنایی و گرمای خود را به مردی پذیر و با وفا منتقل کرد، به همان جایی رفت که از آنجا آمده بود؛ عمق تهایی درون خود. و به دبیره «لانا» تراغی افروخته، چراغی ناافروخته را بوسه داد و رفت. «اینکه او کجا رفت و عاقبتش به شد» در کجا به خاک سپرده شد، چیزی نبود که او بخواهد ما بدانیم؛ او با انگشتانش ما را به ما نشان می داد و می خواست که ما محو انگشتانش نشویم؛ از این رو برای گم شدن او و حال ما علی رغم بی میلی به سخن، سخنانی گفت که اینک در قالب کتاب مقالات در اخلاص و مرامست و هر کس که جویای حق و معناست، باید غوری در آن کند.

این نوشته، سیری است برای جست و جوی برخی حقایق و معانی ای که شمس با آنها طریق خاص خود را به نمایش می گذاشت و می خواست همگان با بهره جستن از آنها، از پوسته عرف و عادت خارج شوند و راه خویش را در بیراهه های دنیا بیابند. در اینجا هم کوشش بر آن بوده که به سادگی، به محضر شمس برویم و سخنان او را در بستری که او متعلق بدان است، بشناسیم و چیزهایی را به گردنش نگذاریم که فرو می اندازد و سخنانی را به او منتسب نکنیم که منابع تأیید نمی کنند و سخنانی نگوییم که بردشواری های کلام او بیافزاید. خواسته ایم مهم ترین اندیشه های شمس را با مراجعه و نقل مستقیم از سخنان و منابع

پیرامونش به آسانی تحلیل و بررسی کنیم و راهی را برویم که در کتاب‌های پیشین خود درباره مولانا رفته‌ایم. این کتاب اگر بتواند دریچه‌ای کوچک به اندیشه‌های شمس برای دوستداران حق و معنا بگشاید، وام خود را به دوستان گزارد و کام نویسنده آن را برآورده است.

این نوشته نیز مانند هر اثر دیگر و امده بزرگانی است. تصحیح علمی مقالات شمس تبریزی توسط دکتر محمد علی موحد بزرگ‌ترین گام در شناسایی شمس به جهان دانش بود و عجباً که پس از وی کسی راه او را ادامه نداد و در شرح و تحلیل این اثر شگفت، گامی مهم برنداشت. نگارنده این سطور خود را و امده‌ارگام‌های استوار و دستان هنرمند این دانشمند ذوالفنون و مواضع می‌داند و برای عمر پربرکتش، روشنایی و گرمی افزون از خداوند طلب می‌کند. در طول نگارش این اثر دوستانی مرایاری و همراهی کردند که هر چند نام همه آنان را نمی‌توانم ذکر کنم اما از یاد نبرد نام یکی از آنان گزیری ندارم و آن دوست و برادر نیک‌اندیش و مهربان و دانشورم، استاد کمال است که در همه مراحل نگارش این اثر مرایاری کرد. از خداوند برای او و خانواده، نیکایش خیر و کثیر مسألت دارم. در پایان از خداوند متعال که بی‌علت و بی‌رشوت می‌بخشد و می‌بخشاند، سپاسگزاری می‌کنم و توفیق اخلاص در عمل را از آن ولی التوفیق خواهانم.

ای خدا از عاشقان خشنود باد عاقل را عاقبت محمود باد

عاشقان را از جمالت عید باد - نشان در آشت چون عود باد

ادی کمپانی زارع

۲۰ اسفند ۱۳۹۵

سیراز